



٢٤/٥٢

دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده الهیات و معارف اسلامی



پایان نامه تحصیلی کارشناسی ارشد
رشته فلسفه و حکمت اسلامی

۱۳۷۸ / ۴ / ۲۵

عنوان رساله:

توحید ذاتی و صفاتی در نهج البلاغه

استاد راهنما:

جناب آقای سید جلال الدین آشتیانی

استاد مشاور:

جناب آقای عزیزاله فیاض صابری

نکارش:

حسینیه وزیری زاده

۱۳۷۵-۷۶

۲۴۱۰۲

حروفچینی - مشهد (چاپک) - تلفن: ۵۳۵۲۶

تشکر و قدردانی

از همه کسانی که مرا در امر تدوین این رساله یاری داده‌اند
بالاخص از محضر محترم استاد راهنما سید الحکماء المتألهین،
فیلسوف بارع جناب آقای سید جلال الدین آشتیانی دامت
برکاته علی رؤوس المتعلمین، که با راهنماییهای دلسوزانه
خود کمال محبت را در حق اینجانب مبذول فرمودند کمال
تقدیر و تشکر را دارم.

همچنین مراتب سپاس و قدردانی خود را به
محضر محترم استاد مشاور، حکیم متأله و فیلسوف ربانی
جناب آقای عزیز الله فیاض صابری که موفقیت خود را در این
رساله مرهون مشورتها و کمکهای بی دریغ و پدرانہ ایشان
هستم تقدیم می‌دارم و برای این دو استاد بزرگوار آرزوی
طول عمر و صحت و سلامت دارم.

همچنین از همسر فداکار و مادر مهربانم که با گذشت و
ایثارشان موجبات فراغت مرا در نوشتن این رساله فراهم
آوردند و سایر دوستان و آشنایان و نیز از مؤسسه چاپک
که در امر تایپ و آماده سازی این رساله با من همکاری
نمودند کمال تشکر را دارم.

تقدیم به

مادره

که واژه ایثار را
در دفتر عشق معنا کرد
و نقش مهر را بر جویبار
محبت به ثبت رساند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
۷	یادداشتهای پیشگفتار.....
فصل اول - شناخت خدا	
۹	شناخت خدا.....
۲۴	ادله اثبات وجود خدا در کلام علی (ع).....
۳۵	تعریف و تقسیم توحید.....
۴۲	یادداشتهای فصل اول.....
فصل دوم - اثبات توحید وجوبی	
۴۸	اثبات توحید وجوبی.....
۶۱	یادداشتهای فصل دوم.....
فصل سوم - اثبات توحید احدی	
۶۴	اثبات توحید احدی.....

صفحه	عنوان
۶۸	بیان قاعده بسیط الحقیقة
۸۴	یادداشتهای فصل سوم
فصل چهارم - در اثبات اینکه واجب تعالی در هیچ وصفی از اوصاف مشارک ندارد	
۸۷	در اثبات اینکه واجب تعالی در هیچ وصفی از اوصاف مشارک ندارد
۱۱۰	یادداشتهای فصل چهارم
فصل پنجم - در اثبات توحید صفاتی	
۱۱۳	در اثبات توحید صفاتی
۱۱۳	۱- معنای صفت و فرق آن با اسم و امتیاز هر کدام با ذات
۱۱۴	۲- تقسیم صفات
۱۱۶	۳- ارجاع کثرت صفات به وحدت ذات
۱۱۷	۴- وحدت ذاتی و کثرت مفهومی صفات واجب
۱۱۹	۵- عینیت صفات کمالی با ذات واجب
۱۲۷	۱- علم

صفحه	عنوان
۱۳۴	۲- قدرت
۱۳۷	۳- حیات
۱۳۹	۴- کلام
۱۴۴	۵ و ۶- سمع و بصر
۱۴۶	۷- جود
۱۴۸	۸- اراده
۱۵۱-۱۵۲	۹ و ۱۰- چند صفت دیگر
۱۵۲	نمونه هایی از صفات سلبی حق تعالی
۱۵۶	یادداشتهای فصل پنجم
۱۶۳	حُسن ختام
۱۶۷	فهرست مآخذ

پیشگفتار

«قیمة كل امرء ما يعلم»^۱

منزلت هر انسان به معرفت و رتبت هر معرفت به معروف آن است. زیرا هر معرفت عارف را در پرتو معروف و در پیوند با آن ارزشمند می‌سازد. و ارزشمندترین معارف توحید است.

محمد بن علی بن بابویه معروف به صدوق از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که فرمود: «ما قلت ولا قال القائلون قبلی مثل «لا اله الا الله» هیچ گوینده‌ای، چه من و چه کسانی که قبل از من بوده‌اند هرگز سخنی مانند «لا اله الا الله» نگفته است.^۲

از سیدالموحدین علی (ع) روایت شده که فرمود: «ان الله رفع درجة اللسان فانطقه بتوحیده من بین الجوارح»^۳ همانا خداوند از میان اعضاء و جوارح مرتبه زبان را بالا برد (به این وسیله که) پس آن را به گفتن توحید به سخن آورد.

از امام محمد باقر (ع) منقول است که فرمود: جبرئیل نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: «یا محمد طوبی لمن قال من امتک لا اله الا الله وحده وحده وحده» یعنی ای محمد خوش به حال کسی از امت تو که بگوید «لا اله الا الله وحده وحده وحده»^۴ تکرار قید وحده به سه مرتبه ظاهراً

ناظر به سه قسم توحید است. توحید ذات و توحید صفات و توحید افعال، به این معنا که «لا اله الا الله وحده ذاتاً وحده و صفأً وحده فعلاً» یعنی اگر انسان عارفی به تمام مراحل توحید راه یافت صاحب شجره طوبی و نیز حیات طیبه خواهد شد و چون نحوه هستی آن شجره و نحوه وجود آن حیات مصون از تراحم است، بنابراین راه نیل به آن برای همگان باز است و هر سالکی به اندازه سلوک عرفانی خود با آن متحد و از آن بهره مند است.^۵

و برای کسب این معرفت چه راهی بهتر از تمسک به فرمایشات گهربار علی (ع) که سرچشمه علم الهی و معدن علوم توحیدی است و خود سرور موحدین عالم می باشد؟

ثقة الاسلام کلینی وقتی قسمتی از خطبه توحیدی آن حضرت را ذکر می کند می گوید: «این خطبه از خطبه های مشهور آن حضرت است و از زیادی شهرت عامه مردم آن را کوچک شمرده اند در صورتیکه همین خطبه برای کسی که علم توحید جوید کافی است، اگر در آن بیندیشد و آن را بفهمد. زیرا اگر تمام جن و انس جز پیغمبران همزبان شوند که توحید را مانند آنچه آن حضرت فرمود بیان کنند، نتوانند و اگر بیان آن حضرت نبود مردم نمی دانستند چگونه در راه توحید قدم بردارند»^۶

همچنین ابن ابی الحدید پس از ذکر خطب توحیدی آن حضرت می گوید: «اعلم ان هذا الفن هو الذي بان به امير المؤمنين (ع) عن العرب في زمانه قاطبه واستحق به التقدم والفضل عليهم

اجمعین ... و معلوم ان هذا الرجل انفراد بهذا الفن و هو اشرف العلوم لان معلومه اشرف المعلومات و لم ينقل عن احد من العرب غيره في هذا الفن حرف واحد و لا كانت اذهانهم تصل الى هذا و لا يفهمونه بهذا الفن فهو منفرد فيه و بغيره من الفنون و هي العلوم الشرعية - مشارک لهم و راجح عليهم فكان كمل منهم، لأننا قد بينا ان الاعلم ادخل في صوره الانسانيه و هذا هو معنى الافضليه»^٧

و در جای دیگری می‌گوید: «واعلم ان التوحيد والعدل والمباحث الشريفه الالهيه، ما عرفت الا من كلام هذا الرجل و ان كلام غيره من اكابر الصحابه لم يتضمن شيئاً من ذلك اصلاً و لا كانوا يتصورونه، و لو تصوروه لذكروه، و هذا الفضيله عندي اعظم فضائله (ع)»^٨

لذا آنچه را که ما در این رساله می‌جوئیم توحید در کلام علی (ع) است اما بدلیل اینکه بعضی از دوستان نیز مایل به انتخاب همین موضوع بودند بررسی بعضی اقسام آن را انتخاب کردیم و اقسام دیگر را آنها عهده‌دار شدند.

موضوع این رساله «توحید ذاتی و صفاتی در نهج البلاغه» می‌باشد و مطالب آن در پنج فصل تنظیم شده است.

فصل اول کلیاتی در مورد شناخت خداوند و تعریف و تقسیم توحید است و بیان اقسامی که این رساله عهده‌دار بحث از آنهاست.

در فصل دوم به اثبات توحید و نفی شریک از حق تعالی پرداخته‌ام و عنوان فصل را توحید و جویی انتخاب کرده‌ام تا با توحید وجودی عرفان خلط و اشتباه نشود.

در فصل سوم به اثبات توحید احدی و نفی ترکیب از حق پرداخته‌ام که با شرح مختصر قاعده بسیط الحقیقه همراه است.

فصل چهارم بیان‌کننده توحید مفهومی است یعنی اثبات این امر که خداوند در هیچ وصفی از اوصاف و معنایی از معانی با ممکنات مشارک نمی‌باشد.

و بالاخره در فصل پنجم توحید صفاتی مطرح شده است. ✎

نحوه کار به این صورت بوده که ابتدا چهارچوب اصلی بحث و فصولی که مورد نظر بوده مشخص و سپس فرازهای توحیدی نهج البلاغه را استخراج کردم و هر فرازی را در فصل مربوط به خود قرار دادم. بعد با استفاده از شروحنی که در اختیار داشتم و بعضی کتب دیگر مطالب را تحلیل و بررسی نمودم. شیوه تحلیل مطالب هم صورت تئوریک است و از شیوه‌های فنی تکنیکی یا آماری استفاده نشده است.

در تمامی فصول سبک بحث به این صورت است که ابتدا مطلب مورد نظر را به صورت فلسفی - و البته مختصر - مطرح کرده و سپس فرمایشات علی (ع) را از نهج البلاغه و در مواردی از کتب دیگر آورده و تا حدود ممکن شرح کرده‌ام.

علت اینکه از بحث فلسفی کامل خودداری کرده‌ام این است که بیشتر مایل بودم به بررسی بیانات علی (ع) بپردازم و مقصودم از طرح فلسفی مطالب فقط این مقدار بوده که خواننده مطمئن شود این مطالب از لحاظ عقلی هم مورد تأیید و متیقن است و در این مباحث - و حتی سایر مباحث شرعی - میان اصول نقلی و براهین عقلی موافقت و مطابقت برقرار است. چنانکه ملاصدرا نیز گفته است «ان الشرع والعقل متطابقان فی هذه المسألة كما فی سائر الحکمیات و حاشی الشریعة الحققة الالهیة البیضاء ان یكون احکامها مصادمه للمعارف الیقینیة الضروریة و تباً لفلسفة یكون قوانینها غیر مطابقة للکتاب والسنة»^۹

به همین سبب از توضیح بیشتر صرف نظر کرده و خواننده را در صورتی که طالب توضیحات بیشتر باشد به کتب مربوطه ارجاع داده‌ام.

در مواردی از روایات سایر ائمه هم برای ایضاح و تأکید مطلب استفاده شده است. در اغلب موارد فرازهای نهج البلاغه و سایر روایات با ترجمه فارسی همراه است و اگر در جایی عبارتی بدون ترجمه است به دلیل وضوح آن بوده و با اینکه مطلب آن در روایات دیگر شرح داده شده بوده است.

آرزومندم به هدف و مقصودی که از انتخاب این موضوع داشتم یعنی آشنایی بیشتر با نهج البلاغه و کسب معارف دین بطور عام و علم توحید بخصوص، از منابع اصلی آن حتی الامکان

پیشگفتار

دست یافته باشم.

و از وجود مقدس امام المتقین و سیدالموحدین علی بن ابیطالب علیه آلاف التحية والثناء می‌خواهم که با مهربانی و بزرگواری خاص خود این حقیر را بر کوتاهیهای ناخواسته‌ای که در این نوشتار مرتکب شده‌ام ببخشاید و توفیق تحقیقات بیشتر و بهتر را به این بنده سراپا تقصیر عنایت فرماید. «ان شاء الله»

پائیز ۱۳۷۵

حسنیه وزیری زاده

یادداشت‌های پیش‌گفتار

- ۱- غرر الحکم و درر الکلم / ص ۴۲
- ۲- التوحید / باب ثواب الموحدين و العارفين / ص ۱۸
- ۳- بحار / ج ۳ / ص ۱۳
- ۴- تحرير تمهيد القواعد / ص ۱۷۱
- ۵- همان
- ۶- اصولکافی / ج ۱ / ص ۱۳۶
- ۷- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید / خطبه ۱۶۴ / ص ۲۵۶
- ۸- همان / خطبه ۸۴ / ص ۳۴۵
- ۸۹- اسفار / ج ۸ / ص ۳۰۳

فصل اول

شناخت خدا